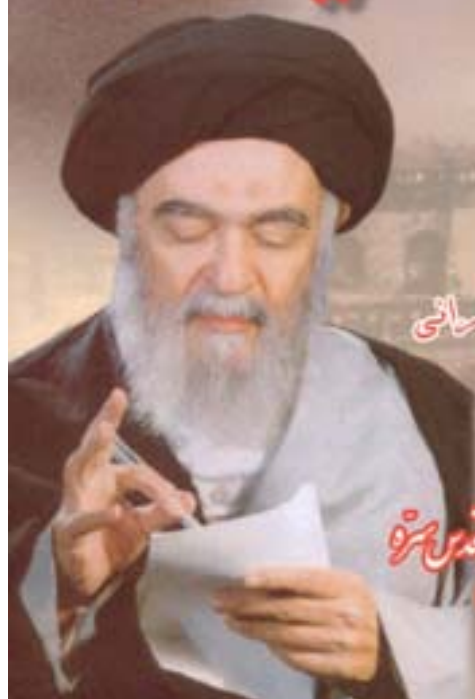


الفقه

آخرین سخن

حکمة للعالمين



برگرفته شده از آخرین سخنرانی

حضرت آية الله العظمى

حاج سيد محمد حسين شيرازي قدس سره

ان الله وان اليه راجعون

مشخصات کتاب

نام کتاب : آخرین سخن (برگرفته شده از آخرین سخنرانی حضرت آیه الله سید محمد حسینی شیرازی قدس سره)

شمارگان: ۱۰۰۰۰

تاریخ چاپ: آبان ۱۳۸۱

نوبت چاپ: دوم

ناشر: بینش آزادگان

شابک : ۱ - ۷ - ۹۲۵۸۶ - ۹۶۴

ISBN : 964-92586-7-1

ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال

حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره

WWW.SHAAER.COM



فهرست مندرجات

مقدمه	 ۴
مقدمه ناشر	 ۸
سفارش اول: تقوی	 ۱۲
حکایت جوان عرب	 ۱۴
حکایت حمال تبریزی	 ۱۷
حکایت شخص نابینا	 ۱۸
دعا از صمیم قلب	 ۲۰
دعا برای برآمدن حوائج	 ۲۲
سفارش دوم: اخلاق	 ۲۴
حضرت عیسی و اخلاق	 ۲۶
سفارش سوم: تألیف	 ۲۶
زنان یهودی و مسیحی و تألیف	 ۲۶
سفارش چهارم: سخنرانی	 ۲۸
سفارش پنجم: نماز جماعت	 ۲۸
امام جماعت زن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	 ۲۹
سفارش ششم: ازدواج	 ۳۰
حکایت سلمان	 ۳۱
هشدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پدران	 ۳۲

- سفرارش هفتم: کار ۳۴
- مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام ۳۵
- همه ما از دنیا می‌رویم! ۳۵
- امام صادق علیه السلام و وصیت ۳۶
- حکایتی از مجالس سوگواری در کویت ۳۷
- آخرین نوشته‌جات معظم له ۳۹
- گذری کوتاه بر زندگی حضرت آیه‌الله العظمی
- حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام‌ظله) ۴۲

مقدمه

تنگ‌نظری و بخل تاریخ چنان است که باید قرن‌ها انتظار کشید تا شاید گوهری را در دل پیروRAND و یا مرواریدی در دل صدف نهاده و تقدیم بشریت کند و آنگاه چون انسان لیاقت این داده را ندارد طرفه‌العینی آن را باز می‌ستاند.

آیت‌الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره گوهری بود که پس از مدتها انتظار چون شهابی ثاقب نمایانگر شد و آنگاه به سرعت ناپدید گشت و در همان حال از تَلَأُوْ انوار لطیف و سپیدش، رهگذران دالان تاریک تاریخ، مقصد خویش را دیدند و از پستی و بلندیه‌های مسیر آگاهی یافتند و دانستند که برای درست زیستن چه باید کرد.

او به راستی یکی از بزرگ مردان نادر این روزگار است، سجایای اخلاقی و ویژگیهای فردی این رادمرد، انبوه و فراوان است کوتاه سخن آنکه بشمار از کمالات انسانی و اخلاقی یکجا در نهاد وی جمع بود.

بهره فراوان و وافرش از بیشتر نیمه علوم متداول در حوزه‌ها و مجامع علمی قدیم و جدید آدمی را به یاد شیخ طوسی و شیخ بهایی می‌انداخت و دستهای اعجاب‌برانگیزش بیش از هزار و سیصد جلد کتاب را به رشته تحریر درآورد، موسوعه بزرگ الفقه با بیش از صد و پنجاه جلد و بیش از نیم میلیون مسأله نشانگر تتبع و تسلط وی به بینهایت علم و دانش است.

زهد و تقوای این شخصیت وارسته، سید بن طاووسها و مقدس اردبیلی‌ها را در اذهان تداعی می‌کرد، ورع او زبانزد خاص و عام بود و تقوایش تا بدانجا پیش رفت که از مال و مکنت دنیا چیزی به ارث نهاد، و با اینکه ثروت دنیا در اختیارش بود و میلیونها میلیون به سوی خانه‌اش سرازیر، او بدانها رغبتی نشان نمی‌داد و با این همه امکانات و وجوه شرعی مقروض به دیدار خدایش شتافت. به درستی که او تربیت شده مکتب مولایش حضرت علی علیه السلام بود.

تبحر بی کرانش در علوم مختلف: فلک و نجوم، منطق و حساب، تاریخ و ادب، تفسیر و حدیث، سیاست و اقتصاد، صرف و نحو، بلاغت و کلام بی‌منتهاست و حاصل آن، کتابهای نفیسی است که با سخاوتمندی تمام آن را از خود به یادگار نهاد تا همگان بهره‌مند گردند. شیرازی گرچه مرجعی عظیم و فقیهی بی‌نظیر بود ولی در علمی مانند: مدیریت، جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست نیز احاطه‌ای کامل داشت و در همه این زمینه‌ها مکتوبات با ارزشی را تقدیم ارباب دانش و معرفت کرد.

معمولاً شخصیت‌های علمی و اندیشمند، از لحاظ روانی و روحی میل چندانی به حضور در عرصه‌های سیاست و صحنه‌های مقاومت و مبارزه را ندارند و کنج خلوت و عزلت برمی‌گزینند. ولی آیت‌الله العظمی شیرازی مدعیات علمی‌اش را با حضور مستمر و فعالش در صحنه‌های جهاد با طاغوتها و دیکتاتورها به اثبات می‌رساند و خود پیشگام عمل به فتوا و اندیشه‌هایش بود. او در رویارویی و مبارزه با ظالمان چون کوهی استوار می‌ایستاد و موانعی که او را از هدف مقدسش باز می‌داشت از بین می‌برد هرچند به قیمت جان و یا انواع شکنجه‌ها و اذیت‌ها و آزارها بود.

شیرازی این مجاهد والا مقام در کنار آن همه مقام و عظمت، تندیس اخلاق بود، اقشار گوناگون مردم او را اسوه اخلاق می‌دانستند، چرا که تصدی مقام مرجعیت و رهبری شیعیان ذره‌ای از تواضع وی نکاست و کمترین تغییری در رفتار و منش وی ایجاد نکرد.

خُرد و بزرگ، فقیر و غنی، ضعیف و شریف را به یک نگاه می‌نگریست و با آنان نشست و برخاست می‌نمود. در مقابل تمام تازه‌واردین به تمام قد می‌ایستاد.

بدی و اهانت را به خوبی و نیکی پاسخ می‌گفت. آنانی که سالیانی دراز حضرتش را جاهلانه دشمن داشته و آماج تیرهای تهمت و دروغ و هتک خود قرار داده بودند، پس از کنار رفتن پرده‌ها و روشن شدن حقایق پشیمان شده و برای عذرخواهی به نزدش می‌آمدند، از آنان با روی باز استقبال کرده و اجازه نمی‌داد لحظه‌ای آثار انکسار و شرمندگی بر چهره‌شان آشکار شود.

این شمیم مهر و عطوفت در کنار آن همه اشتغالات علمی و عملی طاقت فرسا، در کارهای اندرون نیز مشارکت داشت و بسیاری از کارهای منزل را عهده‌دار بود راستی برای آنانی که او را می‌شناسند و یا از دور سخنانی درباره‌اش شنیده‌اند، ضرب‌المثلی در اخلاق والا و صفات علیاست.

او سخنوری بزرگ بود که خود ابتدا وارد میدان عمل می‌شد، خستگی‌ناپذیر بود لحظه‌ای از عمر را ضایع نکرد و به اندازه ۷۵ سال که زیست بهره‌اش از عمر، بیش از سالیان زندگی بود دقیقه‌ای را بیهوده از دست نداد و به تعبیر زیبای حضرت آیت‌الله العظمی سید صادق شیرازی (دام ظلّه العالی) آن بزرگمرد، اسوه تقوی و ورع:

«ایشان چون آتشفشانی جوشان بود که لحظه‌ای از خروش و جوشش بازنیستاد. در قاموس او زمان و مکان اهمیتی نداشت در هر شرایطی که قرار می‌گرفت با آن شرایط خو گرفته و برنامه‌های خود را به طرح و اجرا می‌گذاشت چه زمانی که جوان بود و چه پس از آن، مریض بود یا سالم، در وطن و امنیت به سر می‌برد یا در تبعید و آوارگی».

آن هنگام که تاریکی شب روشنایی روز را تارانده بود و همگان در خوابی عمیق فرو رفته بودند پس از استراحتی کوتاه آن هم به قدر ضرورت، از جا برمی‌خاست لبهایش با نیایش و ذکر و دستهای خستگی‌ناپذیرش در خلق آثاری دوباره با قلم آشنا می‌شد و انگشتهایش، آن انگشتانی که سالیانی پیش از عروج آسمانیش نیرویش را به پروردگارش هدیه داده بود.

اینک او در کنار ما نیست چرا که زمین و زمینیان قدرش را ندانستند و آسمانیان به خوبی به مقام و عظمتش واقف بودند، روح بزرگش پس از تحمل سختیها و مصیبت‌های فراوانی که کوه‌های استوار هم از تحمل آن عاجزند با قلبی مالامال از درد و غم به آسمانها عروج نمود تا غم محرومیت و مظلومیتش را با اول مظلوم عالم بازگو نماید.

او گرچه از دیده‌ها پنهان شد، لیکن در دلها و قلبها جای دارد.

چشمه جوشانی که حاصل تلاش و زحمات شبانه‌روزی‌اش تأسیس و راه‌اندازی صدها حسینیه، مسجد و مؤسسه خیریه در سراسر جهان است و گنجینه مکتوب گرانقدری که بالغ

بر هزار و دویست کتاب است که خود به تنهایی زینت بخش کتابخانه‌ای است و باز ثمره این تلاشها تربیت هزاران فقیه، مجاهد، اندیشمند، نویسنده و خطیب است که در سراسر گیتی پهناور جای دارند و در خدمت خدا و خلق به سر می‌برند و انوار درخشنده هدایتی را که پیامبر بزرگ برافروخته شعله‌ور می‌سازند.

و اینک مائیم و این خط هدایتی که او برایمان ترسیم کرده است، در این مسیر، عاف و خشونت جایی ندارد، حکومت‌های فردی و دیکتاتوری محکوم است و نظام سیاسی اسلام بر پایه انتخاب امت و شورا استوار است.

حدود و ثغور جغرافیایی میان کشورهای اسلامی و مرزبندی بین مسلمانان برخلاف دیانت اسلام و فطرت انسان است و باید معدوم گردد.

(من خطّ بخطوته هدی و من تخلف عنها ضلّ و عمی)

به درستی که دنیا درازمدتی را می‌خواهد که شاهد بزرگ شخصیتی دیگر همچون حضرت آیت‌الله العظمی شیرازی باشد .

بمنّه و کرمه

ستاد برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحال

حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا
محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين
من الآن الى قيام يوم الدين

آه... چه مصیبت بزرگی! چه خبر ناگواری! مگر چه خبر شده؟!
عالم شیعه غرق در عزا و ماتم شد، گریه و ناله و زاری از هر کوی و برزنی به گوش
می‌رسد، چرا که بزرگ مرجع عالیقدر جهان تشیع به دار باقی شتافت.
آری! کسی که عمر شریف هفتاد و پنج ساله خویش را در راه خدمت به اسلام و مسلمین
و یتیمان و مساکین گذراند، او که نابغه دوران در تألیف بود، شخصیتی که اگر تعداد
صفحات کتابهایش بر روزهای عمر پربرکتش تقسیم شود این سؤال در ذهن جهانیان نقش
می‌بندد که: مگر می‌شود شخصی از لحظه تولد تا لحظه فوتش روزانه بیش از بیست و پنج
صفحه کتاب نوشته باشد؟

هنگامی که قلم در دست می‌گرفت چشمه‌های جوشان علوم و معارف اهل‌بیت: از او
سرازیر می‌شد، چنان با سرعت می‌نوشت که حتی در نوع قلم مورد استفاده دقت می‌نمود و
می‌فرمود:

«از قلمی استفاده می‌کنم که روان‌تر بنویسد و کمتر وقتم را بگیرد».

در این راستا چنان پشتکاری داشت که موجب شد سه انگشت مبارکش از کار بیفتد و باز
تألیف را رها نکرد و با انگشت ابهام و سبابه قلم در دست می‌گرفت و در علوم و فنون

مختلف از قبیل: فقه، اصول، تفسیر، عقاید، حدیث، ادب، تاریخ، بلاغت، فلسفه، منطق، ادیان، سیاست، اقتصاد، طب و دیگر رشته‌ها^۱ بیش از هزار و صد و شصت جلد کتاب تألیف نمود.^۲

این بزرگمرد شخصیتی بود که پیش از همه زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد و در مورد خطر صهیونیست و دیگر دشمنان اسلام مردم را آگاه می‌ساخت، در حدود پنجاه سال قبل با نوشتن کتابهای مختلف سیاسی از جمله کتاب «دنیایچه یهود» نقشه‌ها و خط فکری یهود را برملا نمود و آنان را رسوا ساخت.

او از اولین کسانی بود که با حزب بعث عراق^۳ مخالفت نمود و با ایستادگی خود در مقابل آنان مردم را از جنایتهای این حزب پلید آگاه ساخت تا جایی که حکم اعدام او و سه برادر بزرگوارش از طرف حکومت بعث عراق صادر گردید.

او علیرغم مجاهدتهای خستگی‌ناپذیرش نمونه تقوی، ورع و زهد بود و زندگی ساده و بدون تجملات او شاهد این مدعاست.

در عشق و ارادت و علاقه به اهل بیت عصمت و طهارت: مخصوصاً سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام چنان بود که در هر شهر و دیاری حتی در دورترین نقاط عالم

۱- رشته‌هایی مانند: نجوم، کلام، شرح حدیث، صرف، نحو، رجال، درایه، حساب، هندسه، تجوید، علم عروض، معرفی شیعه، شرح حال و تراجم پیامبر اسلام و ائمه معصومین: اخلاق، ارشادات و مواعظ و فرهنگ اسلامی.

۲- قابل توجه است که معظم‌له در برخی از این عناوین بیش از ۱۰۰ جلد کتاب و در عنوانهایی دوره‌های بیش از ۳۰ الی ۴۰ جلدی به رشته تحریر درآورده است که بعضی از تألیفات ایشان بیش از ۲۰ مرتبه تجدید چاپ شده است.

۳- قبل از حزب بعث، احمد حسن البکر (۱۹۱۶ - ۱۹۸۲ میلادی) در سال ۱۹۶۷ توسط حزب بعث اولین رئیس جمهور عراق شد. دو برادر مسیحی بودند که یکی از آنها میشل عفلق نام داشت و حزب بعث عراق را در حدود سال ۱۳۴۶ هجری شمسی تأسیس کرد و برادر دیگرش حزب رستخیز را در ایران تأسیس کرد (که هر دوی این احزاب به معنای قیام کردن می‌باشند).

حسینیه، مسجد، مراکز دینی و مذهبی و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی بنا نهاد که تعداد آنها از ۵۰۰ بیشتر است.^۱

ایشان در اکثر بیانات و تألیفات خود مردم را به محبت و ارادت نسبت به اهل بیت مخصوصاً برپایی مجالس سوگواری بر سالار شهیدان حسین بن علی علیهما السلام و عزاداری بر آن حضرت دعوت می نمود و خود نیز در تشکیل این مجالس و عزاداری گوی سبقت از همه ر بوده بود و حتی در آخرین سخن خود نیز بانوان را امر به تشکیل مجالس روضه خوانی و عزاداری فرمود و نیز وصیت کرد در موقع تشییع جنازه اش شعار مردم «یا حسین یا حسین..» باشد.

آری، این خورشید فروزان علم و اجتهاد بعد از اتمام ماه مبارک رمضان^۲ در شب عید سعید فطر زمانی که جمعی از مؤمنین برای دیدار ایشان آمده بودند در حدود ساعت ۱۲ شب تجدید وضو کرده از ایشان استقبال شایانی نمود و پس از آن نیز برای گروهی از بانوان حوزه علمیه قم بنا به تقاضای آنان سخنرانی مفصلی نمود و بعد از آن تا حدود ساعت ۲ بعد از نیمه شب با سعه صدر و آرامش خاطر به سؤالات آنان پاسخ داد و پس از آن به اتاق خواب خود رفت، بر تخت نشسته، باز قلم در دست گرفت و به تألیف کتابی با موضوع «زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام» بانوی بانوان عالم پرداخت و با سرعت مقدمه این کتاب را به رشته تحریر درآورد،^۳ اما از نوشتن ذی المقدمه محروم ماند و در حالتی که قلم در بین انگشتان مبارکش بود در اثر سگته مغزی از پشت به روی زمین افتاد.

۱- قابل توجه است ایشان جزو معدود مراجعی بودند که در پنج قاره جهان حسینیه، مسجد، مراکز دینی و مؤسسات فرهنگی و... تأسیس کرده است.

۲- در روایت وارد شده که انسان مؤمن پس از ماه مبارک رمضان پاک و پاکیزه می شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است و معظم له با چنین خصوصیتی دار فانی را وداع گفت.

۳- متن این مقدمه همراه با دست خط معظم له در آخر همین کتاب از دید خوانندگان خواهد گذشت.

اینجا بود که زندگی نابغه دهر و فقیه متفکر عالم اسلام و مرجع عالیقدر جهان تشیع به پایان رسید و ندای:

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ﴾

را لیک گفت.

شایان ذکر است در روزی که معظم‌له دار فانی را وداع گفت^۱ یکی از مؤمنین ایشان را در عالم خواب می‌بیند که صورتی بسیار نورانی دارد و می‌فرماید: «نگران من نباشید چون به مجرد انتقال از این دنیا دیدم که سرم در دامن مادرم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌باشد».

آری، باید هم اینگونه باشد زیرا حتی در دقایق آخر عمر که قلم در دست داشت از مادرش فاطمه زهرا علیها السلام می‌نوشت.

یکی دیگر از مؤمنین نیز در عالم خواب می‌بیند که ایشان در باغ مجللی نشسته است و کتابهایش نیز در اطراف اوست و بالای سر او تابلوی بزرگی از نور است که بر روی آن نوشته شده «مِنْ فَقْهِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَام» و این عنوان کتابی است که این عالم جلیل‌القدر در ۶ جلد به رشته تحریر درآورده و از کلمات دُرّبار حضرت زهرا علیها السلام مسائل فقهی را استخراج نموده است.

خداوند متعال ایشان را با ائمه معصومین: بالاخص سید و سالار و سرور و رهبر شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام محشور فرماید.

سفارش اول: تقوی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با عظمتی که داشتند همیشه از خداوند متعال می ترسیدند، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز چنین بودند تا حدی که از خوف خدا غش می کردند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سال سوم هجرت به معراج رفتند، در قرآن کریم هم به این مسئله اشاره شده است:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۱

مسجد الاقصایی که در حال حاضر محلّ به قتل رساندن مسلمانان است توسط صهیونیستهای یهودی.^۲

حضرت در معراج بهشت و جهنم را مشاهده فرمودند و ۲۰ سال هم پس از معراج زنده بودند ولی مورخین نوشته اند:

۱- پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی «که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم» برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم، چرا که او شنوا و بیناست، سوره اسرا: آیه ۱.

۲- معظم له در مورد خطرات یهود برای مسلمانان تألیفاتی دارند، برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید به کتاب ارزشمند «دنیای بازیچه یهود» مراجعه نمایید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در طول مدت این ۲۰ سال اصلاً نخندیدند (یا اینکه خنده ایشان فقط در حد لبخند بوده است) مثلاً فرض کنید خدای ناکرده یک نفر فرزند خود را از دست داده است، اگر قصه خنده داری برای او بازگو کنند می خندد اما از قلبش نیست و این لبهای اوست که خنده ای می کند، خنده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز چنین بوده است. دلیل این حالت حضرت، معراج ایشان بوده زیرا در معراج بهشت را از نزدیک دیدند و در آن گردش کردند، انسان وقتی به شهر دیگری سفر کند از آن شهر دیدن می کند و تمامی نقاط آن شهر را مشاهده می نماید، خداوند متعال می فرماید: ما پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را به معراج بردیم تا بعضی از آیات و نشانه های خود به او نشان دهیم: ﴿لَتَرِيهٗ مِنْ اٰیٰتِنَا﴾^۱.

سؤال اینجاست که چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن زمان به بعد هرگز نخندیدند؟ چون در معراج جهنم را دیدند، با اینکه خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شما اهل جهنم نیستید ولی با این حال (فقط به مجرد مشاهده کردن جهنم) حضرت پس از معراج تا آخر عمر مبارک خود (۲۰ سال) هرگز نخندیدند!

برای اینکه این حالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کنید، فرض کنید شما در خانه خود هستید و خدای ناکرده، شخصی را در همسایگی شما شکنجه دهند، شما چقدر متأثر می شوید؟! با اینکه شما اطمینان دارید که این شکنجه به شما مربوط نیست و شما در امان هستید. این معنای تقوی است، یعنی انسان همیشه از خدا بترسد: چشم، گوش، دهان، دست و پا و خلاصه تمام اعضا و جوارح انسان! شخصی که مرتکب خلافتی شود مثلاً دروغ بگوید، معلوم می شود از خدا نترسیده یا خانمی که حجاب ندارد معلوم می شود از خدا نمی ترسد، انسان باید همیشه تقوی را به یاد داشته باشد.

تقوی فقط به آخرت مربوط نیست بلکه در دنیا هم به نفع انسان است، شما کُلفتی به خانه می آورید یا همسر شما شاگردی به مغازه می آورد اگر این شخص دزد باشد قبول می کنید؟ مسلماً خیر.

دست، پا، گوش و چشم انسان باید اینگونه باشد، یعنی بداند همیشه تحت نظر خداوند متعال است.

حکایت جوان عرب

جوان عربی در مدینه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: اسلام چیست؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در مسجد بودند فرمودند: « لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ » همین شهادتی که همه ما می گوئیم، جوان عرب این دو جمله را بر زبان آورد و مسلمان شد، سپس گفت: دیگر چه کار کنم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دیگر اینکه قرآن تلاوت کن.

جوان عرض کرد: قرآن را نمی دانم.

حضرت به یک نفر از مسلمانانی که در مسجد حاضر بود فرمودند: قرآن به او بیاموز.

بنا شد آن مسلمان به این جوان قرآن بیاموزد، شروع کرد به تلاوت قرآن و به آن جوان

گفت با من بخوان:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^۱ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ
الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحِيْلَهَا يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۲﴾

این سوره همین مقدار است که من خواندم شما هم خوانده‌اید، سوره کوچکی است. هنگامی که آن مسلمان این سوره را برای جوان عرب قرائت کرد آن جوان از جا برخاست و رفت.

معلم قرآن گفت: کجا می‌روی؟! قرآن آیات بسیاری دارد و بسیار مفصل است، جوان عرب گفت: اتفاقاً این سوره هم برای من زیاد بود من همه چیز را از این سوره فهمیدم! معلم گفت از کدام قسمت این سوره؟ جوان گفت: از قسمت آخر سوره:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^۳

اگر انسان به اندازه مِثْقَالَ ذره، یعنی سنگینی ذره^۴ کاری انجام دهد خدا آن را می‌بیند. اگر انسان به این مقدار یا کوچکتر کار خیر انجام دهد خداوند می‌بیند و اگر از این مقدار هم کوچکتر کار شر انجام دهد خداوند می‌بیند، هر کاری که انسان انجام دهد خداوند می‌بیند این معنای تقوی است یعنی همیشه تمام اعضای انسان زیر نظر باشد.

۱- این سوره مبارکه که سوره زلزال نام دارد، ۹۹ سوره قرآن است و در جزء ۳۰ می‌باشد.

۲- به نام خداوند بخشنده مهربان، هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! و انسان می‌گوید: «زمین را چه می‌شود که اینگونه می‌لرزد؟!» در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می‌کند چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! در آن روز مردم به صورت گروه‌های پراکنده (از قبرها) خارج می‌شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند!

۳- زمانی که آن جوان عرب از مجلس بیرون رفت، حضرت فرمودند: «إِنْصَرَفَ الرَّجُلُ وَهُوَ فَقِيهٌ»، بحارالانوار:

جلد ۸۹، صفحه ۱۰۷.

۴- ذره: ذراتی که گاهی در نور آفتاب دیده می‌شود.

کم بگویند، زیاد بگویند، فحش دهد، خدای ناکرده مال مردم را بردارد، موسیقی گوش بدهد یا به نامحرم نگاه کند همه اینها نوشته می شود.

خداوند متعال صفتی دارد به نام سمیع، یعنی می شنود و صفتی دارد به نام بصیر، یعنی می بیند و صفت سومی دارد به نام ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ یعنی در قلب انسان چه می گذرد؟ خداوند متعال می داند. اگر نیت خوبی از قلب انسان گذشت خداوند از آن خبر دارد و عاقبت جزای خوب به او می دهد، ان شاء الله.

همه ما روز قیامت را می بینیم، ما را می آورند که در نامه عمل ما نوشته شده است: بنا کردن مسجد گوهرشاد. ما خدمت حق تعالی عرض می کنیم خداوند! ملائکه اشتباه کرده اند من که مسجد گوهرشاد نساختم! از جانب خداوند خطاب می رسد ملائکه اشتباه نکرده اند، پس چطور شد در نامه عمل ما بنا کردن مسجد گوهرشاد را نوشته اند؟!

خداوند می فرماید: شما مشهد رفتید، از مقابل مسجد گوهرشاد عبور کردید و در دل خود گفتید: «ای کاش من هم پول داشتم و چنین مسجدی می ساختم» ما هم این عمل را در نامه عمل تو ثبت کردیم و ثواب آن را نیز به تو می دهیم یا اینکه خدای ناکرده زمانی از محل شرابخانه ای عبور می کردید و در دل خود گفتید: «ای کاش من هم می توانستم شرابخانه ای بسازم» ما هم این عمل را در نامه عمل تو ثبت کردیم و گناه آن را هم به تو می دهیم، که خداوند متعال در قرآن کریم هم به این مطلب اشاره فرموده است.

اینکه گفتیم خداوند متعال ﴿عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ است یعنی نیت قلبی ما را می داند، آنچه با چشم دیده و با گوش شنیده ایم کم بوده یا زیاد همه را می داند. این معنای تقوی است یعنی انسان همیشه مواظب اعمال خود باشد.

حکایت حمال تبریزی

عمل کردن به دستورات خداوند متعال به غیر از فایده آخرتی سود دنیوی نیز دارد! در یکی از خیابانهای تبریز عده‌ای جمع شده بودند و به کودکی که از سقف خانه‌ای در حال افتادن به پایین بود نگاه می‌کردند، شاید منتظر بودند کودک که می‌افتد او را بگیرند، یک حمال در حالی که اسباب و وسایلی روی سرش قرار داشت از آن محل عبور می‌کرد و متوجه شد که عده‌ای در آنجا جمع شده‌اند نزدیک آنها رفت و علت تجمع آنها را پرسید؟! مردم گفتند: ایستاده‌ایم این کودک که پایین می‌افتد به گونه‌ای او را نجات دهیم. این حمال وسایل خود را به کناری گذاشت و جلوی جمعیت ایستاد و مانند بقیه مردم منتظر افتادن آن کودک شد یک دفعه آن کودک از سقف خانه افتاد، حمال به کودک اشاره‌ای کرد و گفت: سر جای خود بایست! آن کودک هم میان زمین و هوا متوقف شد، مردم به سادگی کودک را گرفتند و روی زمین گذاشتند. تمام جمعیتی که این واقعه را دیده بودند روبه حمال کرده و هرکس سخنی گفت: شخصی گفت تو امام زمان هستی؟ کودکی که در حال افتادن از سقف منزل به روی زمین بود را میان زمین و هوا نگاه داشتی! فرد دیگری گفت تو حضرت خضر هستی؟ یا یکی از اولیای خاص خداوند هستی؟

حمال خطاب به همه آنها گفت: من امام زمان نیستم، حضرت خضر و... هم نیستم، من فردی عادی هستم ولی با خدای خود چنین عهده‌ی بستم که تمام حرفهای خداوند را بشنوم، در عوض من هم هر درخواستی از خداوند داشته باشم خداوند حرف مرا می‌شنود و حاجت مرا برآورده می‌سازد.^۱

۱- در حال حاضر مردم تبریز به زیارت قبر این حمال که قبه و بارگاهی هم دارد می‌روند، نذر او هم می‌کنند و مستجاب می‌شود.

یعنی اگر انسان حرف خدا را شنید خداوند نیز حرف او را می‌شنود، اگر ما ناخوش شدیم یا فرزند ما ناخوش شد از خداوند حاجت خود را می‌خواهیم، حالت بشر اینگونه است مشکل پیدا می‌کند و... اگر انسان حرف خدا را شنید خداوند نیز حرف بنده‌اش را می‌شنود و حاجات او را برآورده می‌کند.

این قاعده خداوند است که در قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره فرموده است:

﴿أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُون﴾^۱

تمام پیامبران الهی و امامان: در مورد تقوی سفارش نموده‌اند که در کتابها نیز نوشته شده است.

این معنای تقوی است ان شاء الله به خاطر بسپارید.

حکایت شخص نابینا

زمان حکومت نادرشاه نابینایی مقابل حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌ایستاد تا از این طریق پولی به دست آورد. روزی سروصدای جمعیت زیادی به گوشش رسید خوشحال شد که حالا جمعیت زیادی می‌آیند و امروز پول بیشتری نصیب من می‌شود که ناگهان متوجه شد شخصی دستش را گرفته، می‌فشارد. آن شخص بی مقدمه سؤال کرد: سن تو چقدر است؟!

۱- به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم (و در راه عمل به پیمانها) تنها از من بترسید! سوره بقره: آیه ۴۰.

نابینا جواب داد: ۴۰ سال دارم.

آن شخص سؤال کرد: چه مدتی است که مقابل حرم امام رضا علیه السلام می ایستی؟
آن نابینا که هنوز نتوانسته بود بفهمد چه کسی با او صحبت می کند جواب داد: ۲۰ سال است.

آن شخص گفت: ۲۰ سال دیگر کجا بودی؟

نابینا جواب داد: در شهر خودم بودم.

آن شخص گفت: تو ۲۰ سال است که مقابل حرم امام رئوفی همچون علی بن موسی الرضا علیه السلام می ایستی و هنوز بینایی خود را از حضرت نگرفته ای؟!
نابینا جواب داد: خیر.

آن شخص گفت: می دانی من که هستم؟

نابینا جواب داد: نه نمی دانم!

آن شخص گفت: من نادرشاه هستم.^۱

نادرشاه دو نفر از مأمورین خود را خبر کرد و به آنها گفت: دستهای این مرد را بگیرید، من داخل حرم می روم و تا نیم ساعت دیگر برمی گردم، در آن هنگام اگر این مرد کور بود گردن او را قطع می کنم. (این سخن نادر شاه است، شخصی که مانند آب خوردن سرها را قطع می کند).

مرد نابینا خیلی ترسید و از شدت وحشتی که از مرگ در دلش ایجاد شده بود روی زمین افتاد، در همان حالت خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد یا امام رضا نادرشاه آدمگش است اگر بینایی مرا برنگردانید او مرا می کشد و... که ناگهان چشمان خود را باز کرد و متوجه شد بینایی خود را به دست آورده است بسیار تعجب کرد، مأمورین نادرشاه هم مراقب

۱- نادرشاه حاکمی بوده که خیلی انسانها را به قتل می رسانده است.

او بودند که پس از گذشت دقایقی نادرشاه آمد و دید آن شخص نابینا، بینایی خود را به دست آورده است.

نادرشاه به او گفت: مدت ۲۰ سال است که تو در جوار امام رضا علیه السلام هستی و بینایی خود را از حضرت نگرفتی، چگونه پس از گذشت ۲۰ سال اکنون بینایی خود را به دست آوردی؟

چون این شخص نابینا از این مطلب ترس داشت که نادرشاه نیم ساعت دیگر قرار است او را بکشد و با چنین حالتی درب خانه خداوند رفت، امام رضا علیه السلام هم حاجت او را برآورده کردند و نادرشاه هم دستور داد پول خوبی به او دادند.^۱

دعا از صمیم قلب

انسان اگر از روی صفای دل درب خانه خداوند برود، درب خانه امام علیه السلام برود مسلماً حاجتش برآورده می‌شود.

شخصی از رفقای کربلایی به من گفت: هنگامی که من از کربلا به ایران آمدم قصد داشتم خانه‌ای بخرم، پول هم به مقدار کافی داشتم ولی موفق به پیدا کردن خانه دلخواه خود نشدم.

۱- پس از گذشت چند صدسال از فوت آن شخص مقبره او در حرم امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌باشد.

گفتم: حالا که نشد خانه‌ای بخرم می‌روم و خانه‌ای را با همان مشخصاتی که در ذهن دارم اجاره می‌کنم، باز هم نتوانستم چنین منزلی پیدا کنم.

یک روز که خیلی ناراحت بودم به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتم و عرض کردم بی‌بی جان اینگونه مهمان نوازی می‌کنی؟

خیلی ناراحت بودم و کمی هم تند با حضرت معصومه علیها السلام صحبت کردم، از رواق خارج شدم ولی هنوز از حرم مطهر بیرون نرفته بودم که در صحن، شخصی نزد من آمد و پس از سلام و احوالپرسی از من پرسید: شما که دنبال خانه بودی توانستی خانه بخری؟ گفتم: نه.

گفت: خانه‌ای در این نزدیکی هست دنبال من بیا و ببین. رفتم و دیدم همان خانه‌ای است که در ذهن خود تصور می‌کردم یعنی چند اتاق داشته باشد و به چه کیفیتی باشد و... خلاصه خانه را خریدم و تا این لحظه که با حضرت عالی صحبت می‌کنم در همان خانه هستم. یعنی این شخص دفعه‌های اول که به حرم رفته فقط زبانش می‌گفته من خانه می‌خواهم ولی قلبش نبوده. چون گاهی اوقات انسان به واسطه لفظ مطلبی را بیان می‌کند ولی قلبش آن را نمی‌گوید.

خداوند متعال هم در قرآن کریم می‌فرماید: مَنْ بَا قَلْبِ شَمَا کَار دَارم ﴿۱﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۲﴾، اگر قلب با زبان همراه شد خداوند حاجات انسان را برآورده می‌نماید. زبان هم اگر چیزی می‌گوید به این جهت است که انسان عادت کرده و گرنه این قلب است که گناه می‌کند. خداوند متعال در مورد چنین انسانی که قلبش بد است می‌فرماید: ﴿أَثَمُ قَلْبُهُ﴾^۲

پس این مطلب را به خاطر بسپاریم که همیشه تقوی داشته باشیم یعنی از خدا بترسیم.

۱- سوره شعرا: آیه ۸۹.

۲- سوره بقره: آیه ۲۸۳.

« مَنْ كَانَ مَعَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ مَعَهُ » یعنی کسی که تقوا داشته و با خدا باشد، خداوند متعال هم با او است و چنین شخصی هیچ وقت گرفتار نمی شود، پس اولین موضوع تقوی است.

اگر مرد تقوی نداشته باشد، زن، دختر و پسر هر یک تقوی نداشته باشند از کیسه خودشان رفته است، چون خداوند متعال حرف انسان بی تقوی را نمی شنود و حاجتهای او را برآورده نمی کند، پس خودش ضرر کرده است.

دعا برای برآمدن حوائج

دو ماه پیش خانمی نزد من آمد و گفت دختری دارم که شوهر ندارد (یعنی در حقیقت کسی به خواستگاری او نمی آید) و من می خواهم او ازدواج کند، دعایی به من یاد بدهید که این مشکل حل شود.

پرسیدم: اهل کجا هستید؟

گفت: از زنجان آمده ام.

به آن زن گفتم: شما دو کار باید انجام بدهید، اول: اینکه روزی صد مرتبه استغفار کنید:

« اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » دوم: اینکه هر روز دعای « یا مَنْ تُحَلُّ » را بخوانید^۱ ان شاء الله دختر شما ازدواج می کند، آن زن هم با خوشحالی از پیش ما رفت و یک روز قبل از ماه مبارک رمضان دوباره آن خانم از زنجان آمد و گفت: از سفارشات شما در مورد ازدواج دخترم یک ماه می گذرد و در طول همین یک ماه الحمدلله دختر من ازدواج نمود.
ما هم گفتیم: الحمدلله.

چون این زن واقعاً از صمیم قلبش استغفار کرده بود و استغفار مشاکل را حل می کند. ما دیدیم این خانم زنجان‌ای این دفعه با چند خانم دیگر آمده، پرسیدم: این خانمها با شما هستند؟

آن زن گفت: بله، ایشان با من از زنجان آمده‌اند و همان مشکل من را دارند (یعنی دختر ازدواج نکرده دارند) به ایشان سفارشی بکنید یا کاری بیاموزید که دخترهای آنها هم ازدواج کنند من به آن خانمها نیز همان مطلب را گفتم یعنی روزی صد مرتبه استغفار و خواندن دعای « یا مَنْ تُحَلُّ »، یعنی خداوند متعال مشکلات را حل می کند.
اکنون یک ماه از این صحبت می گذرد و هنوز نمی دانم مشکل این خانمها حل شده است یا نه؟ ان شاء الله که حل شده باشد.

قاعده کارهای خداوند این است « کُونُوا مَعَ اللهِ كَانَ اللهُ مَعَكُمْ » اگر با خدا باشید خداوند نیز با شما است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: با خدا بودن مانند بیع می باشد.

۱- این دعای شریف را مرحوم محدث قمی در ابتدای مفاتیح الجنان از حضرت امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که در صحیفه سجادیه نیز موجود می باشد: ﴿ یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَ یا مَنْ... ﴾

شما اگر نزد نانوائی بروید تا پول ندهید به شما نان نمی دهد خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿ فَاسْتَبْشِرُوا بِّبَيْعِكُمُ الَّذِي بَّيَعْتُمْ بِهِ ﴾^۱ ای کسانی که به دستورات من عمل می کنید، خوشحال باشید که معامله خوبی انجام داده اید.

ولی متأسفانه انسانها عکس این مطلب عمل می کنند یعنی حرفهای خداوند را گوش نمی دهند و می خواهند خداوند حرفهای آنها را بشنود و حاجاتشان را مستجاب نماید! به این مطالب تقوی می گویند که موضوع اول ما بود.

سفارش دوم: اخلاق

موضوع دوم اینکه همیشه خوش اخلاق باشید، چرا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: « انسان خوش اخلاق هر چه هم که باشد به بهشت می رود و انسان بد اخلاق هر کسی که باشد بالاخره به جهنم می رود ».

روزی حدود ۵۰۰ خانم از یزد به اینجا آمده بودند، من برای آنها صحبت کردم و به آنان گفتم: جهنم یعنی خانه ای را فرض کنید پر از آتش، دست و پای انسان را ببندند و درون چنین خانه ای بیاندازند.

قرآن کریم راجع به انسان بد اخلاق می فرماید:

﴿ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴾^۱

یعنی انسان بد اخلاق را با زنجیری که طول آن هفتاد ذراع^۲ است می‌بندند، همه شما الحمدلله باسواد و اهل مطالعه هستید و این مطالب را قبلاً آموخته‌اید.

پس انسان همیشه باید خوش اخلاق باشد.

۴۰۰۰ سال قبل خداوند متعال خطاب به حضرت موسی فرمود: «کَمَا تَدِينُ تُدَانُ» کسانی

که اهل تحقیق هستند می‌توانند این مطلب را در تورات مطالعه کنند.

یعنی اگر شما با مردم با اخلاق پسندیده معاشرت کردید مردم نیز با شما خوش اخلاق

هستند، اگر با مردم خوب معامله کنید مردم نیز با شما خوب معامله می‌کنند.

جزای انسانهای بد اخلاق در دنیا این است که همیشه انسانهای بد اخلاق اطرافشان جمع

می‌شوند! انسان نباید ناراحت شود که چرا همسرم، فرزندم و یا... با من بد اخلاق هستند؟!

قاعده مطلب این است که اگر با شخصی بد اخلاقی کردید آن شخص هم با شما بد اخلاقی

می‌کند.

ان شاء الله این مطلب را به خاطر بسپارید که اولاً تقوی داشته باشید، ثانیاً همیشه

خوش اخلاق باشید.

۱- سوره حاقّه: آیه ۳۲.

۲- هر ذراع به اندازه ۲ وجب می‌باشد.

حضرت عیسی علیه السلام و اخلاق

حضرت عیسی که پیامبری اولوالعزم است می فرماید:
آنقدر باید خوش اخلاق باشید که اگر شخصی به طرف چپ صورت شما سیلی بزند، شما طرف راست صورت خود را بگیرید تا یک سیلی هم این طرف صورت شما بزند!

سفارش سوم: تألیف

موضوع سوم که دفعه های قبل هم به شما تذکر داده بودم، این است که همه شما باید کتاب بنویسید، الحمدلله باسواد و اهل مطالعه هم هستید، چرا کتاب نمی نویسید؟

زنان یهودی و مسیحی و تألیف

زن مسیحی کتاب می نویسد، زن یهودی کتاب می نویسد، ولی متأسفانه زنهای شیعه کتاب نمی نویسند! با اینکه اول خانمی که در اسلام کتاب نوشت حضرت زهرا علیها السلام بود، کدام حضرت زهرا علیها السلام؟

حضرت زهرایی که دختر ۹ ساله بوده ازدواج کرده، ۹ سال هم با حضرت علی علیه السلام بودند و در این مدت، پنج یا شش فرزند از ایشان متولد شده‌اند، در این مدت کار منزل هم انجام می‌داده‌اند! یعنی حضرت زهرا علیها السلام لباس می‌شسته‌اند، خانه را جارو می‌کرده‌اند، آب از چاه می‌کشیده‌اند و نان هم می‌پخته‌اند!

روزی حضرت زهرا علیها السلام نزد پدر خود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رفتند و عرضه داشتند: خدمتکاری در اختیار من بگذارید تا در کارهای منزل به من کمک کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مطلبی به شما می‌آموزم که دیگر نیازی به خدمتکار نداشته باشید و حضرت تسبیحات معروف را به دخترشان آموختند که تا به حال نیز این تسبیحات به نام مقدس حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد:

« ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد لله، ۳۳ مرتبه سبحان الله »

چنین حضرت زهرایی با این همه مشکلات، زحمات و کارهای سخت با این خصوصیات کتاب هم نوشته‌اند.^۱

خانمی در غرب به نام « آگاتا کریستی » است که البته مسیحی می‌باشد، این خانم مسیحی تا به حال ۱۱۴ کتاب نوشته است و من کتابهای این خانم را خوانده‌ام.

۱- اشاره معظم له به کتاب « مُصَحَّفُ فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَام » می‌باشد که مجموعه سفارشات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است به دخترگرامیشان و حضرت زهرا علیها السلام این سفارشات را به صورت کتاب درآوردند.

سفارش چهارم : سفرانی

موضوع چهارم اینکه هر کدام از شما خانمها باید سخنران شوید. خانمهای زیادی هر روز نزد ما می آیند که سؤالی یا مشکلی دارند، با اینکه ما در شهر قم هستیم ولی من می بینم این خانمها هیچ چیز نمی دانند! و مقصّر ما هستیم که این افراد را تعلیم نمی کنیم یعنی هر یک از شما باید یک منبری عالی بشود هیچ وقت هم نگویید کار مشکلی است یا من نمی توانم، اصلاً نگویید.

اگر انسان بخواهد در راه خدا قدمی بردارد خداوند متعال به او کمک می کند حق تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

کسانی که در راه ما کاری انجام دهند ما راه را به آنان نشان می دهیم.
ان شاء الله این مطلب را هم به خاطر بسپارید.

سفارش پنجم : نماز جماعت

موضوع دیگر این است که هر کدام از شما خانمها باید نماز جماعت داشته باشید خیلی مطلب ساده ای است چرا که شما در منزل خود نماز می خوانید، از این به بعد در حسینیه یا مسجدی یا حتی در منزل خودتان امام جماعت شوید و نماز جماعت بخوانید.
در مورد ثواب نماز جماعت در روایت آمده است که:

«ثوابی که خداوند متعال به همه نمازگزاران و مأمومین می‌دهد به اندازه همه آنها به امام جماعت ثواب می‌دهد!».

امام جماعت زن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای خانمها نماز جماعت مخصوص با امام جماعت زن تشکیل می‌دادند.

حضرت زنی به نام «امّ ورقه» را طلبیدند و به او گفتند: از این به بعد تو امام جماعت هستی برو و نماز جماعت بخوان.

امّ ورقه هم مکان وسیعی را انتخاب نمود و از آن روز به بعد نماز جماعت به جای آورد، با اینکه خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز جماعت می‌خواندند و در نماز حضرت، هم مردان شرکت می‌کردند و هم خانمها ولی از آن به بعد بعضی از خانمها در نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت می‌کردند و بعضی در نماز جماعت امّ ورقه.

پس ان شاء الله فراموش نکنید شما حتماً باید تألیف داشته باشید

سخنران درجه یک بشوید و محراب داشته باشید.

سفارش ششم: ازدواج

موضوع دیگر، موضوع ازدواج است.

واقع مطلب این است که انسان باید دختر را شوهر بدهد، همین الان عرض کردم حضرت زهرا علیها السلام نه سال داشتند که ازدواج کردند (مسلماً دختر ۹ ساله کوچک است ولی ایشان الگوی ما مسلمانان هستند) و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهر دخترشان را هم کم گرفتند.

شما ملاحظه بفرمایید چقدر خانمهای مسلمان در ایران ازدواج نکرده‌اند؟ چقدر خانمهای مسلمان در عراق و سوریه و... ازدواج نکرده‌اند؟ چرا باید اینگونه باشد؟!

چون ما ازدواج را برای جوانان مشکل کرده‌ایم! یکی از رفقای ما در یکی از شهرهای سوریه به نام حلب ازدواج کرد. زمانی نزد من آمده بود.

از او پرسیدم: چطور شد که در سوریه ازدواج کردی؟ گفت: در حلب مرد خوبی را می‌شناختم، خود من به تنهایی از دختر او خواستگاری کردم.

به منزل او رفتم، بسیار به من احترام گذارد و از من پذیرایی کرد و... به او گفتم: دختری را به ازدواج من درمی‌آوری؟ گفت: بله و فرزندانش را صدا زد معلوم شد چهار دختر دارد که کوچک هم بودند به اصطلاح ما، گفت هر کدام از دخترهای مرا که بخواهی به ازدواج تو در می‌آورم! این رفیق ما ازدواج کرد و فرزند هم دارد و بسیار خانواده خوشبختی هم هستند.

امام حسین علیه السلام دو دختر داشتند به نامهای آمنه و سکینه (سکینه مشهوری که در تاریخ هم نقل شده است) امام حسین علیه السلام به حضرت قاسم علیه السلام فرمودند: هر کدام از دختران مرا که می خواهی انتخاب کن، من به ازدواج تو درمی آورم! یعنی ما باید شرایط را به گونه ای مهیا کنیم و خصوصیات را طوری بیان کنیم که ازدواج جوانان آسان شود، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^۱

خداوند متعال نمی خواهد امور ما به سختی باشد، اگر خود ما آسان گرفتیم تمام می شود. شما خانمها ان شاء الله سعی کنید فرزندان خود را خوب تربیت کنید.

حکایت سلمان

قبر سلمان فارسی در شش فرسخی بغداد است و من به زیارت ایشان رفته ام. زمانی که سلمان حاکم ایران شد پایتخت حکومتش مدائن بود، سلمان همسری اختیار کرد (چون شرعاً مکروه است مردی بدون زن و ازدواج نکرده باشد) همسر خود را در خان^۲ گذاشت.

۱- سوره بقره: آیه ۱۸۵.

۲- کاروانسرا.

در کاروانسرا اتاقی اجاره کرد با اینکه حاکم کلّ ایران بود، همسر خود را در آن اتاق گذاشت.^۱

هشدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پدران

روزی سلمان با شخصی به سوی آن کاروانسرا می‌رفتند، سلمان در بین راه متوجه دختر ۱۴ الی ۱۵ ساله‌ای شد و چون آن شخصی که با سلمان بود اهالی آن منطقه را کاملاً می‌شناخت سلمان از او پرسید: آیا این دختر ازدواج کرده است؟ آن شخص گفت: خیر، همسری ندارد.

سلمان گفت: برو و به پدر این دختر بگو من که سلمان هستم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که حضرت فرمودند:

«اگر دختری ازدواج نکرده باشد و خدای ناکرده مرتکب خلافتی شود، خلاف آن دختر را در نامه عمل پدرش می‌نویسند.»

یعنی والدین روز قیامت باید جوابگو باشند، این بود عبارت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به روایت سلمان در مورد خانمها.

ان شاء الله امیدوار هستیم خداوند متعال صدام را از بین ببرد تا شما هم به راحتی به عراق بروید و قبر سلمان را زیارت کنید، در زیارت سلمان می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» یعنی سلام بر تو که پدر عبدالله هستی، چون سلمان فرزندی به نام عبدالله داشت.

۱- واقع مطلب این است که سلمان بسیار متواضع بوده و کلاً اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه بوده‌اند.

این سفارشات اسلام راجع به دخترها است.
اگر پسر هم دارید باید شرایط را به گونه‌ای مهیا کنید که زود ازدواج کند، جوانهایی که نزد من می‌آیند به آنها سفارش می‌کنم زود ازدواج کنید.
جوانی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمد، حضرت از او پرسیدند: ازدواج کرده‌ای؟

عرضه داشت: خیر. (جوانی ۱۵ یا ۱۶ ساله بود)
حضرت فرمودند: آیا کسالتی داری؟ یا از نظر قوای جسمانی ناقص هستی؟
جوان گفت: نه یا رسول الله من کاملاً سالم هستم.
حضرت فرمودند: بنابراین تو از اخوان شیاطین و از رهبان نصاری هستی!
یعنی جوانی که چنین شرایطی را دارد اگر ازدواج نکند نزد خداوند متعال از اخوان شیاطین و رهبان نصاری محسوب می‌شود!
بعضی جوانها که پیش ما می‌آیند می‌گویند والدین ما با ازدواج ما موافقت نمی‌کنند، این مطلب اصلاً صحیح نیست.
ان شاء الله این موضوع را به خاطر بسپارید.

سفارش هفتم: کار

موضوع آخری که در این بحث داریم موضوع کار است. کار دستی برای انسان فایده‌های بسیاری دارد: مثلاً روح انسان همیشه بانشاط است (تجربه کنید)، همیشه بدن انسان سالم است، چون وقتی بدن تحرک داشته باشد قالی ببافد، خیاطی کند، گلدوزی کند و شیرازه بزند، سالم می‌ماند. اشخاصی که نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند حضرت از آنها سؤال می‌کردند کار می‌کنید یا نه؟ اگر شخصی جواب می‌داد خیر حضرت می‌فرمودند: «سَقَطَ عَنْ عَيْنِي» این شخص از چشم من پیغمبر افتاد. انسان باید همیشه کار کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا﴾^۱ یعنی: ای پیامبر به مسلمانان بگو کار کنند. ان شاء الله به خاطر بسپارید همیشه کار کنید. ماه مبارک رمضان تمام شد و امشب شب آخر ماه رمضان است، ان شاء الله سعی شما این باشد که برای آینده فعالیت کنید.

مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام

سعی کنید مجالس هفتگی و ماهیانه شما تعطیل نشود چرا که وقتی مجلسی برپا می کنید در آن مجلس روضه خوانده می شود، مردم نصیحت می شوند و صله رحم هم در این مجالس می شود.

ما در کویت که بودیم خیلی اصرار کردیم که مجالس عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام برپا کنید و در حال حاضر هر شب ۲۰۰ الی ۳۰۰ مجلس در کویت برپا می شود، هر شخصی در منزل خود مجلس می گیرد، خیلی کار ساده ای است. خود شما هم ان شاء الله سعی کنید سخنران شوید، برای مردم مسئله بگویید و روضه بخوانید و در مورد اخلاق سفارش کنید.

همه ما از دنیا می رویم!

در روایت نقل شده است: وقتی انسان از دنیا می رود، او را که در قبر می گذارند (معلوم باشد ما هم از دنیا می رویم! با این تفاوت که شخصی امروز، شخصی فردا و شخصی دو روز دیگر از دنیا می رود) خیلی گریه می کند، ناراحت است و می گوید چرا من از عمر به این خوبی استفاده نکردم و عمر من تمام شد؟ و دیگر زمانی نیست که بتواند کاری انجام دهد. خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

﴿رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِي مَا تَرَكْتُ كَلَّا﴾^۱

خدایا مرا به دنیا برگردان تا کار خوب انجام دهم.

خداوند می‌فرماید: کلاً!

امام صادق علیه السلام و وصیت

رفیقی داشتیم در تهران که روزی نزد من آمد و گفت قصد دارم وصیت کنم به او گفتم وصیت نکن.

پرسید: چرا؟

گفتم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ»^۲ یعنی آنچه می‌خواهی در وصیت بنویسی خودت به آن عمل کن، چرا می‌نویسی؟ می‌خواهی پول بدهی، مسجد درست کنی یا هر کاری که قصد داری در وصیت بنویسی، خودت انجام بده ولی رفیق ما قبول نکرد، وصیت کرد و یک شخص خوبی را هم وصی خود قرار داد.

رفیق ما چهار فرزند و حدود پنج میلیارد تومان پول داشت. پنج سال قبل رفیق ما که وصیت کرده بود مرحوم شد واقعاً انسان خوبی بود ولی فرزندان او با یکدیگر اختلاف پیدا

۱- سوره مؤمنون: آیات ۹۹ و ۱۰۰.

۲- بحارالانوار: جلد ۷۸، صفحه ۲۷۱.

کردند و پولها هم تمام شد و یکی از فرزندان او پس از گذشت ۵ سال هنوز در زندان است وقتی رفیق ما تا زنده بود خودش کاری نکرد فرزندانش هم نکردند و متأسفانه خیلی از این قبیل افراد هستند، در عراق و کویت که بودیم دیدیم، اینجا هم هستند افرادی که پول دارند و می‌توانند کار کنند ولی وصیت می‌کنند، خوب مسلماً به وصیتشان هم عمل نمی‌شود. ان شاء الله این مطالب را فراموش نکنید. امیداور هستیم خداوند متعال به شما توفیق دهد و شما را تأیید فرماید، ان شاء الله.

حکایتی از مجالس سوگواری در کویت

در خانه خود روضه و مجالس هفتگی تشکیل دهید حتی اگر ۵ یا ۱۰ نفر بیایند. چرا که مجالس اباعبدالله الحسین علیه السلام بلا را دفع می‌کند، اختلاف و مشاکل را حل می‌کند و بالاخص مشکلات مادی شما را حل می‌نماید. در کویت که بودیم شخصی نزد ما آمد و گفت: من چهار دختر دارم که هیچ کدام ازدواج نکرده‌اند! وظیفه من چیست؟ به او گفتم: حرف مرا می‌شنوی؟ گفت: بله. گفتم: منزل شما کجاست؟

گفت: در منطقه صلییخات. (از منزل ما در کویت تا صلییخات فاصله زیادی بود).^۱

گفتم: در خانه خود روزه هفتگی برپا کن.

لبخندی زد و گفت: من از ازدواج نکردن دختران خود برای شما می‌گویم و شما از

برپایی مجلس اباعبدالله الحسین علیه السلام! این دو چه ربطی با یکدیگر دارند؟

به او گفتم: ربط این دو این است که وقتی روزه هفتگی در خانه خود داشته باشی مردم به

برکت مجلس امام حسین علیه السلام با دختران تو آشنا می‌شوند و دخترانت به زودی

ازدواج می‌کنند.

صحبت ما تمام شد و آن شخص رفت. سال آینده همان موقع بود که آمد نزد من،

پرسیدم: چه کار کردی؟ چه شد؟

گفت: به سفارش شما عمل کردم و به برکت مجلس اباعبدالله الحسین علیه السلام در طول

این یک سال الحمدلله هر چهار دختر من ازدواج کردند.

ان شاء الله این مطالب را به خاطر بسپارید.

امیدوار هستیم خداوند متعال اعمال همه شما را قبول کند و شما را تأیید بفرماید و ان شاء

الله توفیق عمل صالح به شما عطا بفرماید.

(وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ)

۱- معظم له در کویت در منطقه بنید القادر در نزدیکی مسجد معروفشان سکونت داشتند.

آخرین نوشته‌جات معظم له

بسمه تعالی

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بهترین الگوی بانوان عالم اعم از مسلمان و غیرمسلمان است در حدیث شریف آمده است:

« فاطمه زهرا علیها السلام دامنش را پاک و پاکیزه نگاه داشت، خداوند متعال نیز فرزندان ایشان را بر آتش حرام فرمود ».

این روایت بر این مطلب دلالت دارد که زنان زمان جاهلیت (چه آنها که ازدواج کرده بودند و چه آنان که ازدواج نکرده بودند) همگی ناموس خود را در اختیار مردم قرار می‌دادند (همان گونه که امروزه در غرب مشاهده می‌شود) و چون در جاهلیت اکثر زنان آلوده بودند، پاکدامنی و حفظ ناموس سزاوار چنین اجر و پاداشی از جانب حق تعالی بوده است.

آن حضرت در اوایل کودکی و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا هنگام شهادت مورد آزار مشرکین بوده، حتی موقع ازدواج با امیرالمؤمنین علیه السلام در فشار و سختی به سر می‌برد، زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمانان در راه تبلیغ رسالت الهی خود در بدترین حالات و شرایط با بیشترین مشکلات مواجه بودند.

آنچه امروزه از امنیت، رفاه و آسایش در جامعه اسلامی مشاهده می‌کنیم همه از آثار و برکات مجاهدتهای خستگی‌ناپذیر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که دنیا را نه فقط برای مسلمانان بلکه برای جهان بشریت تغییر داد و به همین دلیل می‌فرماید:

« من رحمتی هستم که خداوند متعال به شما مردم هدیه داده است ».

اگر مقایسه‌ای بین دنیای قبل از ظهور اسلام و دنیای بعد از آن (تا به امروز) به عمل آید درمی‌یابیم که این تغییر و تحول، آسایش، رفاه، سعادت و تمدن بشریت نتیجه قوانین ذکر شده در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین می‌باشد.

رسیدن به این مطلب احتیاج به تشکیل انجمنی جهانی دارد که این انجمن با همتی شبانه‌روزی احوالات دنیای قبل از اسلام و بعد از ظهور، آن را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند، در این صورت است که به این مطلب واقف می‌شویم.^۱

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همراه پدر و شوهر بزرگوارشان و همچنین اصحاب با وفای ایشان با تحمل سختیها و مصیبت‌های سهمگین آن زمان، پایه‌گذار این تمدن بوده است. (چنانچه در خطبه معروف خود نیز به احوالات قبل از اسلام اشاره فرموده است). این مطلب را می‌توان در قرآن کریم و نیز فرمایشات امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه مشاهده نمود.

این مجاهدتها در حالی بود که آن حضرت به بهترین وجه فرزندان خود را تربیت می‌نمودند و در عین حال تمام کارهای منزل را مانند: جاروب کردن، آشپزی، خیاطی گرفته تا نانوایی و... انجام می‌دادند.

با چنین خصوصیتی می‌بینیم که در بیان احکام و مسائل زنان مسلمان به بهترین وجه به میدان آمده سؤالات بسیار زیاد آنان را پاسخ می‌فرمودند و کتابهایی هم تألیف نمودند که به نام «مُصَحَّفُ فَاطِمَه عَلَیْهَا السَّلَام» جمع شد.

«مُصَحَّف» به معنای کتاب است و آن حضرت اولین بانوی نویسنده در اسلام است همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام اولین مرد نویسنده در اسلام می‌باشد که نوشته‌های آن حضرت به نام «کِتَابُ عَلِیٍّ عَلَیْهِ السَّلَام» جمع‌آوری شده است.

۱- مسلماً تشکیل چنین انجمنی منجر به تحریر دهها جلد کتاب خواهد شد.

بر زنان ما لازم است که آن حضرت را در امور زندگی خود الگو قرار دهند مثلاً در مورد ازدواج: که ایشان در سن ۹ سالگی و اول بلوغ ازدواج نمودند، یا در کار و فعالیت (برای احتیاجات منزل) که ایشان با دست مبارک خود نخ‌ریسی می‌فرمود، یا در تألیف و نویسندگی و سایر آنچه از آن حضرت وارد شده است درس بگیرند.

از خداوند متعال خواهیم به زنان ما توفیق الگوپذیری از حضرت زهرا علیها السلام در همه امور زندگی عطا نموده و خیر دنیا و آخرت به ایشان عنایت فرماید.

والله المستعان

گذری کوتاه بر زندگی حضرت آیه الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلّه)

بسم الله الرحمن الرحيم

« مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ
وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا »

« مثل کلمه پاکیزه به درخت زیبایی می ماند که اصل ریشه آن ثابت و برقرار و شاخه های آن سر به فلک کشیده است و به اذن پروردگار در همه اوقات میوه های گوناگون و خوش می دهد. »

از بیت پربرکت خاندان شیرازی در طول تاریخ همواره فقها و مجتهدین و علمای با اخلاص و مجاهد فی سبیل الله برخاسته اند که همچون ستارگان در آسمان علم و فقاہت درخشیده اند و خدمات شایانی به اسلام و مسلمین نموده اند و می توان گفت مثل این خاندان بزرگ همانند شجره طیبه ای است که در قرآن مجید به آن اشاره شده است. یکی از چراغهای فروزان این بیت علم و تقوی و جهاد، علامه محقق و دانشمند توانا حضرت آیه الله العظمی حاج سید صادق شیرازی (دام ظلّه) می باشد.

ایشان در سال ۱۳۶۰ ه. ق در شهر مقدس کربلا و در جوار حرم سید الشهداء علیه السلام دیده به جهان گشود و زندگی را زیر نظر پدر بزرگوارش آیه الله حاج سید مهدی شیرازی

قدس سره که در زهد و تقوی زبانزد خاص و عام بودند و پرچم هدایت مسلمانان را در این شهر مقدس به دوش حمل می کردند، آغاز نمود.

برادران بزرگوارش یعنی آیه الله العظمی حاج سید محمد شیرازی قدس سره و آیه الله شهید حاج سید حسن شیرازی قدس سره نقش غیرقابل توصیف در تربیت اخلاقی، علمی و دینی ایشان ایفا نمودند از این رو و با توجه به استعداد ذاتی فراوان و تلاش و همت بلند وی خیلی زود پس از اتمام دوره سطح، برای تکمیل مراحل عالی علمی به درس بزرگان از محققین این حوزه مهم علمی که دانشمندان نامداری را در خود جای داده بود حاضر و از دامن علم آنان خرمهای فراوانی برچید.

از جمله اساتید ایشان، علامه بزرگ آیه الله شیخ یوسف خراسانی قدس سره و محقق بزرگوار آیه الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره و برادر عظیم الشان ایشان آیه الله العظمی حاج سید محمد شیرازی قدس سره و برادر شهیدش مرحوم آیه الله حاج سید حسن شیرازی قدس سره بودند.

پیش از مهاجرت به کشور کویت سالهای متمادی در حوزه علمیه کربلا به تربیت علمی طلاب علوم دینی مشغول بودند و در سال ۱۳۹۹ تدریس بحثهای خارج فقه و اصول را در کویت و سپس در سال ۱۴۰۰ در حوزه علمیه قم مقدس برای جمعی از فضلا آغاز نمود و دانشمندانی زیر نظر ایشان تربیت شدند از جمله آیه الله حاج سید محمدرضا شیرازی که خود یکی از مدرسین درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم به شمار می آید.

آیه الله العظمی سید صادق شیرازی در اوایل دوران جوانی جهاد با قلم را آغاز نمود و تألیفات فراوان و متنوعی حاصل تلاش علمی ایشان در مدت بیش از ۴۵ سال است که اهم تألیفات ایشان عبارتند از:

- « شرح مبسوط ۷۰۰ صفحه‌ای بر عروة الوثقی » سید محمد کاظم یزدی قدس سره باب اجتهاد و تقلید در یک جلد که در بیروت در سال ۱۳۹۷ به زیور طبع آراسته شد.

- « شرح مبسوط بر عروة الوثقى » باب صلاة در ۲۰ جلد
- « شرح کتاب شرح لمعه شهید ثانی قدس سره » در ۱۰ جلد که هم اکنون زیر چاپ است.
- « شرح تبصره علامه حلی قدس سره » در ۲ جلد
- « شرح با ارزش کتاب شرایع محقق حلی قدس سره » که چهار مرتبه به طبع رسید و مورد استفاده علما و دانشمندان و فضیای حوزه است.
- « بیان الاصول » در ۱۰ جلد که جلد مربوط به قاعده فقهی لاضرر ایشان به طبع رسیده است. این کتاب، مقدار تسلط این بزرگوار به علم اصول الفقه را نشان می دهد.
- « السياسة من واقع الاسلام » مؤلف بزرگوار در این کتاب سعی کرده اند سیاست را از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و امیر مؤمنان علیه السلام با قلم زیبا و رسا بیان نماید و همچنین نظر اسلام را درباره سیاست امور اقتصادی، بهداشت، کشاورزی، آزادی، صلح، جنگ و چگونگی ارتباط حکومت اسلام با دیگران را به رشته تحریر آورد.
- « حقایق عن الشيعة » این کتاب به فارسی توسط جناب آقای صادق یادگاری ترجمه شده و به نام خرافه یا حقیقت دو نوبت به چاپ رسیده است.
- « القیاس فی الشریعة الاسلامیة »
- « الطريق الى البنك الاسلامی » این کتاب نیز به زبان فارسی ترجمه شده است.
- « العقوبات فی الاسلام »
- « تمهیدات فی الاقتصاد الاسلامی »
- « الاصلاح الزراعی فی الاسلام »
- « الصوم »
- « الحج »
- « شرح السيوطی » در ۲ جلد و مکرراً به چاپ رسیده است.

- « شرح العوامل في النحو »

- « الموجز في المنطق » این کتاب چهار بار به طبع رسیده است آخرین چاپ آن با تحقیق زیبا و اضافاتی توسط مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الحکیم حسینیہ کربلائیهای اصفهان به زیور طبع آراسته شده است و هم اکنون از جمله کتابهای درسی منطق مقدماتی بعضی از حوزه‌های علمی شیعه به شمار می‌آید .

- « علی فی القرآن » در ۲ جلد، مؤلف محترم ۷۰۰ آیه از آیات قرآن که درباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام نازل یا تأویل شده را شرح داده است.

- « اهل البيت في القرآن »

- « فاطمة الزهراء في القرآن » مکرراً چاپ شده است.

- « الشيعة في القرآن »

- « المهدى في السنة »

- « المهدى في القرآن » مکرراً چاپ شده است.

- « مالك الاشتر النخعي »

- « قصص توجيحية »

- « السفور »

- « الخمر كوليرا المجتمع »

- « صلاة الجماعة و منزلتها في الاسلام »

بعد از ارتحال مرجع بزرگ تقلید، نابغه دوران در تألیف حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد شیرازی قدس سره، مقلدین این مرجع بزرگوار و عده بسیاری از فضلا در امر تقلید به ایشان رجوع کردند و پرچم مرجعیت بر دوش این بزرگوار استوار گشت.

خداوند متعال وجود ایشان را از جمیع بلایا در امان بدارد و سایه این بزرگوار را در ظلّ
عنایات و توجهات حضرت بقیةالله الاعظم امام زمان (ارواحنا فداه) مستدام بدارد.